



p30konkor.com

عنوان آزمون : فارسی ۱۲ درس ۱۸

زمان آزمون :

تاریخ برگزاری

نام و نام خانوادگی :

پایه تحصیلی :

نام دبیر :

ردیف	لطفًا پاسخ سوالات را روی همین برگ بنویسید	بارم
۱	<p>دو ویژگی عشق جاودانی را در عبارت زیر بنویسید.</p> <p>«عشق جاودانی همواره معشوق را جوان می‌بیند / و نه توجهی به گرد و غبار و جراحات پیری دارد / و نه اهمیتی به چین و شکن ناگزیر سالخوردگی می‌دهد»</p> <p>پاسخ: ۱ عاشق، معشوق را همیشه جوان می‌بیند و به عیوب ظاهری معشوق توجه نمی‌کند.</p> <p>سوالات امتحانات نهایی متوسطه-دوازدهم-خردادماه ۱۴۰۳</p>	
۲	<p>کدام اثر مربوط به بخش ادبیات جهان است؟</p> <p>الف) از پاریز تا پاریس ب) قصه‌های دوشنبه</p> <p>پاسخ: ۱ گزینه ب</p> <p>سوالات امتحانات نهایی متوسطه-دوازدهم-خردادماه ۱۴۰۳</p>	
۳	<p>با توجه به بیت زیر، به پرسش‌ها پاسخ دهید.</p> <p>«به سوزی ده کلام را روایی / کز آن گرمی کند آتش گدایی»</p> <p>الف) نقش «ضمیر پیوسته» در مصراع نخست چیست؟ ب) جمله وابسته (پیرو) را مشخص کنید. ج) نقش دستوری واژه مشخص شده چیست؟</p> <p>پاسخ: ۱ الف) مضاف‌الیه ب) از آن گرمی کند آتش گدایی (ج) نهاد</p> <p>سوالات امتحانات نهایی متوسطه-دوازدهم-خردادماه ۱۴۰۳</p>	
۴	<p>نوع حذف را در موارد زیر مشخص نمایید.</p> <p>الف) چه حرف تازه‌ای برای گفتن مانده است یا چه چیز تازه‌ای برای نوشتن. ب) امروز خورشید در دشت آینه‌دار من و تو</p> <p>پاسخ: ۱ الف) حذف به قرینه لفظی ب) حذف به قرینه معنایی یا معنوی</p> <p>سوالات امتحانات نهایی متوسطه-دوازدهم-خردادماه ۱۴۰۳</p>	
۵	<p>با توجه به بیت «اگر لطف تو نبود پرتو انداز / کجا فکر و کجا گنجینه راز» کدام واژه بیت زیر، نقش دستوری یکسانی با واژه مشخص شده دارد؟</p> <p>«زاهد ظاهرپرست از حال ما آگاه نیست / در حق ما هر چه گوید، جای هیچ اکراه نیست»</p> <p>پاسخ: ۱ آگاه</p> <p>سوالات امتحانات نهایی متوسطه-دوازدهم-خردادماه ۱۴۰۳</p>	

۶	<p>از چهار گزینه زیر، در دو گزینه نادرستی املایی وجود دارد؛ آن دو را مشخص کنید.</p> <p>(الف) مطاع و فرمانروا - صلۀ ارحام - سوءهاضمه (ب) حمایل و محافظ - غرض نهال - مستور و پوشیده (ج) مغلوب و مقهور - زل زدن و نگریستن - مخاصمت و دشمنی (د) ضمداد و مرحم - بحر مکاشفت - صُخه و فریاد</p> <p>سوالات امتحانات نهایی متوسطه-دوازدهم-خردادماه ۱۴۰۳</p> <p>پاسخ: ۱ گزینه‌های ب و د یا «غرس نهال» و «ضمداد و مرهم»</p>
۷	<p>شکسپیر در بند زیر چه ویژگی‌هایی را برای عشق جاودانی برمی‌شمارد؟ (ذکر دو مورد) «این گونه است که عشق جاودانی همواره معشوق را جوان می‌بیند / و نه توجّهی به گرد و غبار و جراحات پیری دارد»</p> <p>سوالات امتحانات نهایی متوسطه-دوازدهم-دی ماه ۱۴۰۲</p> <p>پاسخ: ۱ معشوق را همواره جوان می‌بیند، پیری برای عشق جاودانی مهم نیست. (ص ۱۵۶)</p>
۸	<p>معنی واژه‌های مشخص شده را بنویسید. (الف) من بیم آن داشتم که مورد عتاب معلّم واقع گردم. (ب) شیرمردی باید این ره را <u>شگرف</u>.</p> <p>سوالات امتحانات نهایی متوسطه-دوازدهم-دی ماه ۱۴۰۲</p> <p>پاسخ: ۱ (الف) سرزنش، ملامت، تندى (ص ۱۵۷) (ب) قوی، نیرومند (ص ۱۲۰)</p>
۹	<p>ابیات و عبارات زیر را به نثر ساده و روان بنویسید. (الف) تمام حُسن کباب غاز به این است که سر به مُهر روی میز بیاید. (ب) در این اندیشه مستغرق بودم که دیدم مرا به نام خواندند. (ج) هر که داند گفت با خورشید راز / کی تواند ماند از یک ذره باز (د) همی کند سودابه از خشم موی / همی ریخت آب و همی خست روی</p> <p>سوالات امتحانات نهایی متوسطه-دوازدهم-شهریورماه ۱۴۰۲</p> <p>پاسخ: ۱ (الف) همه خوبی کباب غاز در این است که کامل و دست نخورده روی میز بیاید. (ص ۱۳۳) (ب) در این فکر فرو رفته بود که دیدم مرا به اسم صدا زدند. (ص ۱۵۹) (ج) کسی که می‌تواند به اصل و حقیقت (خداوند) برسد، هرگز از رسیدن به فرعیات عاجز نمی‌شود. (ص ۱۲۱) (د) سودابه از روی خشم موهایش را می‌کند، پیوسته گریه می‌کرد و صورت خود را زخمی می‌نمود. (ص ۱۰۴)</p>
۱۰	<p>معنی ابیات و عبارات زیر را به نثر روان بنویسید. (الف) اگر کوه آتش بود، بسپرم / از این تنگ خوار است اگر بگذرم (ب) یک قصّه بیش نیست غم عشق وین عجب / کز هر زبان که می‌شنوم نامکّر است (پ) با آنکه جیب و جام من از مال و می تهی است / ما را فراغتی است که جمشید جم نداشت (ت) آنجا در آن برزخ سرد، در کوچه‌های غم و درد / غیر از شب آیا چه می‌دید چشمان تار من و تو؟</p> <p>سوالات امتحانات نهایی متوسطه-دوازدهم-خردادماه ۱۴۰۲</p> <p>پاسخ: ۱ (الف) اگر این آتش مانند کوه باشد از آن عبور می‌کنم؛ گذشتن از این راه باریک برای من کاری آسان است. (ص ۱۰۱) (ب) داستان عشق یک ماجرا بیشتر نیست؛ اما عجیب آنکه آن را از هرکس می‌شنوم، غیرتکراری است. (ص ۱۵۶) (پ) با آنکه جیبم از مال و جامم از شراب، خالی است (تهی‌دست هستم)، اما آسایشی دارم که جمشید نیز آن را نداشت. (ص ۲۷) (ت) در دوران تسلّط حکومت ظلم، در محیط پر از غم و رنج جامعه، چشمان ما، تنها شاهد ظلم و ستم بود. (ص ۸۴)</p>

۱۱	<p>در عبارت زیر، «عشق جاودانی» چگونه توصیف می‌شود؟ «این گونه است که عشق جاودانی همواره معشوق را جوان می‌بیند و نه توجهی به گرد و غبار و جراحات پیری دارد.»</p> <p>سوالات امتحانات نهایی متوسطه-دوازدهم-شهریورماه ۱۴۰۲</p> <p>پاسخ: ۱ ظاهرین نبودن عاشق (یا هر پاسخ درست دیگر) (ص ۱۵۵)</p>
۱۲	<p>معنی واژه‌های مشخص شده را بنویسید. الف) باز زین و برگ را بر گرده کهرها و کرندها نهادند. ب) من بیم آن داشتم که مورد عتاب معلم واقع گردم. پ) ز یزدان دان، نه از ارکان، که کوتاه‌دیدگی باشد / که خطی کز خرد خیزد تو آن را از بنان بینی</p> <p>سوالات امتحانات نهایی متوسطه-دوازدهم-خردادماه ۱۴۰۲</p> <p>پاسخ: ۱ الف) اسب یا استری که به رنگ سرخ تیره است. (ص ۷۹) ب) سرزنش، ملامت، تندى (ص ۱۵۷) پ) سرانگشت (ص ۱۴۷)</p>
۱۳	<p>با توجه به متن زیر، شکل درست واژه‌ای را که املاى آن غلط است، بنویسید. «معلم لباسی را که جز در روز توزیع جوایز یا در هنگامی که بازرس به مدرسه می‌آمد نمی‌پوشید، بر تن کرده بود. گذشته از آن، تمام اتاق درس را ابهت و شکوهی که مخصوص مواقع رسمی است، فرا گرفته بود اما آنچه بیشتر مایع شگفتی من گشت، آن بود که بر روی نیمکت‌هایی که در مواقع عادی خالی بود، جماعتی را از مردان دهکده دیدم که نشسته بودند.»</p> <p>سوالات امتحانات نهایی متوسطه-دوازدهم-خردادماه ۱۴۰۲</p> <p>پاسخ: ۱ مایه. (ص ۱۵۸)</p>
۱۴	<p>مفهوم مشترک بیت «یک قصه بیش نیست غم عشق وین عجب / کز هر زبان که می‌شنوم نامکتر است» و سروده زیر را بنویسید. «هر روز باید ذکرى واحد را مکرر بخوانم و آنچه را قدیمی است، قدیمی ندانم: که تو از آن منی، و من از آن تو»</p> <p>سوالات امتحانات نهایی متوسطه-دوازدهم-دی ماه ۱۴۰۱</p> <p>پاسخ: ۱ نامکتر بودن و تازگی عشق. (ص ۱۵۶ - ۱۵۵)</p>
۱۵	<p>جاهای خالی عبارت زیر را به شکلی درست، پُر کنید. «متن زیر، برگرفته از کتاب نوشته آلفونس دوده و ترجمه است.» «اما بغض و اندوه، صدا را در گلویش شکست، نتوانست سخن خود را تمام کند؛ سپس روی برگردانید و پاره‌ای گچ برگفت و با دستی که از هیجان و درد می‌لرزید، بر تخته سیاه این کلمات را با خط جلی نوشت: زنده باد میهن!»</p> <p>سوالات امتحانات نهایی متوسطه-دوازدهم-دی ماه ۱۴۰۱</p> <p>پاسخ: ۱ قصه‌های دوشنبه / عبدالحسین زرین‌کوب (ص ۱۶۲)</p>
۱۶	<p>با توجه به متن «با خود اندیشیدم که باز برای ما چه خوابی دیده‌اند؟ آنگاه سر خویش گرفتم و راه مدرسه در پیش»: الف) واژگان پدیدآورنده آرایه لفظی «سجع» کدام‌اند؟ ب) یک مورد کاربرد کنایه مشخص کنید.</p> <p>سوالات امتحانات نهایی متوسطه-دوازدهم-شهریورماه ۱۴۰۱</p> <p>پاسخ: ۱ الف) خویش، پیش ب) «برای ما چه خوابی دیده‌اند؟» یا «سرخویش گرفتم» (ص ۱۵۷)</p>

۱۷	<p>در سطرهای زیر بر چه نکاتی تأکید شده است؟ «چه حرف تازه‌ای برای گفتن مانده است، یا چه چیز تازه‌ای برای نوشتن. که بتواند عشق مرا یا سجایای ارزشمند تو را بازگو کند؟»</p> <p>سوالات امتحانات نهایی متوسطه-دوازدهم-شهریورماه ۱۴۰۱</p> <p>پاسخ: ۱ شاعر عشق خود را با تازه‌ترین تعبیر بیان نموده است یا توصیف‌ناپذیری عشق. محبوب دارای بهترین خصلت‌هاست یا وصف‌ناپذیری معشوق. (ص ۱۵۵)</p>
۱۸	<p>در سروده «همان‌جا که شاید اینک دست زمان و صورت ظاهرش، مرده نشانش بدهند»، ترکیب «دست زمان»، اضافه استعاری است یا تشبیهی؟</p> <p>سوالات امتحانات نهایی متوسطه-دوازدهم-خردادماه ۱۴۰۱</p> <p>پاسخ: ۱ اضافه استعاری (ص ۱۵۵)</p>
۱۹	<p>مفهوم مشترک سروده‌های زیر را بنویسید. * یک قصه بیش نیست غم عشق وین عجب / کز هر زبان که می‌شنوم نامکتر است * هر روز باید ذکر واحد را مکرر بخوانم / و آنچه را قدیمی است، قدیمی ندانم: «که تو از آن منی و من از آن تو»</p> <p>سوالات امتحانات نهایی متوسطه-دوازدهم-خردادماه ۱۴۰۱</p> <p>پاسخ: ۱ سخن عشق تکراری نیست و عاشق از ذکر نام معشوق خسته نمی‌شود. (ص ۱۵۵)</p>
۲۰	<p>با توجه به سروده‌ی زیر به پرسش‌ها پاسخ دهید. «چه حرف تازه‌ای برای گفتن مانده است یا چه چیز تازه‌ای برای نوشتن / که بتواند عشق مرا یا سجایای ارزشمند تو را بازگو کند؟» (الف) نوع حذف به کار رفته در این سروده لفظی است یا معنایی؟ (ب) زمان فعل «مانده است»، ماضی نقلی است یا ماضی بعید؟ (ج) کدام واژه، وابسته پیشین اسم است؟</p> <p>سوالات امتحانات نهایی متوسطه-دوازدهم-دی ماه ۱۴۰۰</p> <p>پاسخ: ۱ الف) لفظی ب) ماضی نقلی ج) چه (ص ۱۵۵)</p>
۲۱	<p>در سروده‌ی زیر، شکسپیر، در مقام عاشق، چه ادّعایی می‌کند؟ «چیزی در مخیله آدمی می‌گنجد که قلم بتواند آن‌را بنگارد اما جان صادق من آن‌را برای تو ترسیم نکرده باشد؟»</p> <p>سوالات امتحانات نهایی متوسطه-دوازدهم-دی ماه ۱۴۰۰</p> <p>پاسخ: ۱ روح راستگوی عاشق هر چه را که در ذهن آدم می‌گنجد، برای معشوق ترسیم کرده است. (ص ۱۵۵)</p>
۲۲	<p>با توجه به سروده‌ی زیر، شاعر هر روز خود را ملزم به تکرار چه سخنی می‌داند؟ «هر روز باید ذکری واحد را مکرر بخوانم / و آنچه را قدیمی است قدیمی ندانم: که تو از آن منی و من از آن تو، / درست مانند نخستین باری که نام زیبای تو را تلاوت کردم.»</p> <p>سوالات امتحانات نهایی متوسطه-دوازدهم-شهریورماه ۱۴۰۰</p> <p>پاسخ: ۱ تو از آن منی و من از آن تو (ص ۱۵۵)</p>

۲۳	<p>معنی هریک از موارد زیر را به نثر روان بنویسید. (الف) چو او را بدیدند برخاست غو / که آمد ز آتش برون شاه نو (ب) آری اکنون تهمتن با رخس غیرتمند / در بُن این چاه آبش زهر شمشیر و سنان، گم بود (ج) اگر دیدی به ناگاه / خون من بر سنگ فرش خیابان جاری است / بخند؛ زیرا خنده‌ی تو / برای دستان من / شمشیری است آخته (د) هر روز باید ذکری واحد را مکرر بخوانم: / «که تو از آن منی و من از آن تو»</p> <p>سوالات امتحانات نهایی متوسطه-دوازدهم-خردادماه ۱۴۰۰</p> <p>پاسخ: ۱ الف) وقتی مردم سیاوش را دیدند، فریاد شادی سردادند که شاهزاده از آتش به سلامتی بیرون آمد. (ص ۱۰۴) ب) آری اکنون رستم در ته چاهی که به جای آب، زهر شمشیر و سرنیزه داشت، محو شده بود. (ص ۱۱۲) ج) اگر دیدی که من زخمی و در حال جان دادن هستم، تو شاد باش؛ زیرا خنده‌ی تو برای دستان من مانند شمشیر برکشیده‌ای است و به من توان مبارزه می‌بخشد. (ص ۱۵۰) د) هر روز باید سخن یکسانی را تکرار کنم و آن این‌که: تو متعلق به منی و من متعلق به تو هستم. (ص ۱۵۵)</p>
۲۴	<p>با توجه به سروده‌ی زیر، یکی از ویژگی‌های عشق جاودانی را بنویسید. «هر روز باید ذکر واحد را مکرر بخوانم / و آن‌چه را قدیمی است، قدیمی ندانم: «که تو از آن منی و من از آن تو»، / این گونه است که عشق جاودانی همواره معشوق را جوان می‌بیند»</p> <p>سوالات امتحانات نهایی متوسطه-دوازدهم-خردادماه ۱۴۰۰</p> <p>پاسخ: ۱ یکی از این دو مورد: عشق قدیم را هر چه قدر قدیمی باشد، کهنه و بی‌ارزش نمی‌شمارد یا همواره معشوق را جوان می‌بیند. (ص ۱۵۵)</p>
۲۵	<p>از بین آثار زیر، به ترتیب یک اثر از «شکسپیر» و یک اثر از «جمال‌زاده» بیابید. (از پاریز تا پاریس - غزلواره‌ها - هوا را از من بگیر خنده‌ات را نه - کباب غاز - فی حقیقه العشق)</p> <p>سوالات امتحانات نهایی متوسطه-دوازدهم-خردادماه ۱۴۰۰</p> <p>پاسخ: ۱ شکسپیر: غزلواره‌ها (ص ۱۵۵) جمال‌زاده: کباب غاز (ص ۱۴۰)</p>
۲۶	<p>معنی هریک از موارد زیر را به نثر روان بنویسید. (الف) طفره می‌رفتید ولی اصرارهای من، عاقبت شما را متقاعد کرد. (ب) چون بُود کاکلیم ما را شاه نیست / بیش از این بی‌شاه بودن راه نیست. (ج) این بدبخت‌ها سال آزرگار یک بار برایشان چنین پایی می‌افتد و شکم‌ها را مدتی است صابون زده‌اند که کباب بخورند. (د) آیا چیزی در مخیله‌ی آدمی می‌گنجد که بتواند آن‌را بنگارد / اما جان صادق من آن‌را برای تو ترسیم نکرده باشد؟</p> <p>سوالات امتحانات نهایی متوسطه-دوازدهم-خردادماه ۱۴۰۰</p> <p>پاسخ: ۱ الف) خودداری می‌کردید اما اصرارهای من شما را مجاب و راضی کرد. (ص ۸۹) ب) چرا سرزمین ما شاه ندارد، بیش از این بدون شاه بودن شایسته نیست (ص ۱۲۰) ج) این بدبخت‌ها هر سال طولانی یک بار برایشان چنین موقعیتی پیش می‌آید و مدتی است انتظار کشیده‌اند (گرسنگی کشیده‌اند، به خود وعده داده‌اند) که کباب بخورند. د) فکر و خیالی در ذهن انسان نمی‌گنجد که بتواند آن‌را بنویسد اما روح راستگو و درست‌کردار من آن‌را برای تو، ای عشق جاودانی به تصویر نکشیده باشد. (ص ۱۵۵)</p>
۲۷	<p>نام صاحب هریک از آثار داده شده را از کمانک مقابل آن انتخاب کنید. (الف) غزلواره‌ها (شکسپیر / پابلو نرودا) (ب) سانتاماریا (مهرداد اوستا / سید مهدی شجاعی)</p> <p>سوالات امتحانات نهایی متوسطه-دوازدهم-خردادماه ۱۴۰۰</p> <p>پاسخ: ۱ الف) شکسپیر (ص ۱۵۵) ب) سیدمهدی شجاعی (ص ۹۳)</p>

۲۸	<p>مترادف واژه «کلان» در عبارت «هرکه مرا ببند، به حقیقت داند که از شما بسیار کلان‌ترم و جهان از شما زیادت دیده‌ام، کدام کلمه است؟</p> <p>«یکی از مردان معمر دهکده که کتاب را بر روی زانو گشوده بود و از پس عینک ستبر خویش در آن می‌نگریست»</p> <p>سوالات امتحانات نهایی متوسطه-دوازدهم-خردادماه ۱۴۰۳</p> <p>پاسخ: ۱ معمر</p>
۲۹	<p>هر یک از ابیات زیر را به فارسی روان برگردانید.</p> <p>الف) به سوزی ده کلامم را روایی ب) به راه این امید پیچ در پیچ</p> <p>کز آن گرمی کند آتش گدایی مرا لطف تو می‌باید دگر هیچ</p> <p>سوالات و مطالب تالیفی-سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲-دوازدهم</p> <p>پاسخ: ۱ الف) به کلام من اثری ببخش که حتی آتش هم از آن، گرمی گدایی کند. ب) در راه این زندگی دشوار، جز لطف و عنایت تو چیز دیگری لازم ندارم.</p>
۳۰	<p>ابیات زیر را به نثر روان برگردانید.</p> <p>الف) الهی سینه‌ای ده آتش‌افروز ب) هر آن دل را که سوزی نیست دل نیست</p> <p>در آن سینه دلی وان دل همه سوز دل افسرده غیر از آب و گل نیست</p> <p>سوالات و مطالب تالیفی-سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲-دوازدهم</p> <p>پاسخ: ۱ الف) خدایا به من سینه‌ای پر از درد بده و دلی که تمامی آن غم و درد و رنج باشد. ب) دلی که دردی نداشته باشد دل نیست و دل بی‌درد و بی‌جان، چیزی جز آب و گل نیست.</p>
۳۱	<p>پیام کلیدی هر بیت را به اختصار بنویسید.</p> <p>الف) اگر لطف تو نبود پرتوانداز ب) کرامت کن درونی دردپرورد</p> <p>کجا فکر و کجا گنجینه راز؟ دلی در وی، درون درد و برون درد</p> <p>سوالات و مطالب تالیفی-سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲-دوازدهم</p> <p>پاسخ: ۱ الف) اهمیت لطف الهی ب) درخواست غمی اصیل و ماندگار</p>
۳۲	<p>مفهوم ابیات زیر را بنویسید.</p> <p>الف) هر آن دل را که سوزی نیست دل نیست ب) دلم را داغ عشقی بر جبین نه</p> <p>دل افسرده غیر از آب و گل نیست زبانم را بیانی آتشین ده</p> <p>سوالات و مطالب تالیفی-سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲-دوازدهم</p> <p>پاسخ: ۱ الف) اهمیت دردمند بودن آدمی ب) آرزوی دردمندی و اثرگذاری بر دیگران</p>
۳۳	<p>کدام بیت اغراق دارد؟ توضیح دهید.</p> <p>الف) هر آن دل را که سوزی نیست دل نیست ب) به سوزی ده کلامم را روایی</p> <p>دل افسرده غیر از آب و گل نیست کز آن گرمی کند آتش گدایی</p> <p>سوالات و مطالب تالیفی-سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲-دوازدهم</p> <p>پاسخ: ۱ ب) شاعر می‌گوید سوزی به من کلام من بده که آتش از آن گرما گدایی کند.</p>
۳۴	<p>قسمت مشخص‌شده در بیت زیر، دارای چه آرایه‌ای است؟</p> <p>«ندارد راه فکرم روشنایی ز لطف پرتویی دارم گدایی»</p> <p>سوالات و مطالب تالیفی-سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲-دوازدهم</p> <p>پاسخ: ۱ مجازاً مقداری کم</p>

۳۵	<p>با توجه به بیت زیر، به سؤالات پاسخ دهید. «دلم را داغ عشقی بر جبین نه الف) در مصراع اول، تشبیه را مشخص کنید. ب) حس آمیزی را در بیت مشخص کنید.</p> <p>سؤالات و مطالب تالیفی-سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳-دوازدهم</p> <p>پاسخ: ۱ الف) عشق (مشبّه) به داغ (مشبّه‌به) تشبیه شده است. ب) بیانی آتشین</p>
۳۶	<p>کاربرد فعل «نیست» را در بیت زیر بررسی کنید. «هر آن دل را که سوزی نیست دل نیست دل افسرده غیر از آب و گل نیست»</p> <p>سؤالات و مطالب تالیفی-سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳-دوازدهم</p> <p>پاسخ: ۱ اولی: وجود داشتن/ دومی و سومی: اسنادی</p>
۳۷	<p>با توجه به بیت زیر، به سؤالات پاسخ دهید. «به راه این امید پیچ در پیچ الف) هر مصراع چند جمله دارد؟ ب) وابسته و وابسته را بیابید و نوع آن را بنویسید.</p> <p>سؤالات و مطالب تالیفی-سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳-دوازدهم</p> <p>پاسخ: ۱ الف) مصراع اول جمله‌ای ندارد و مصراع دوم دو جمله دارد. ب) راه این امید پیچ در پیچ: هر دو صفت مضاف‌الیه</p>
۳۸	<p>نقش کلمات خواسته شده را تعیین کنید. الف) دلم را داغ عشقی بر جبین نه ب) اگر لطف تو نبود پرتوانداز</p> <p>سؤالات و مطالب تالیفی-سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳-دوازدهم</p> <p>پاسخ: ۱ الف) مفعول ب) مسند</p>
۳۹	<p>جایگاه دستوری کلمات مشخص شده را بنویسید. الف) الهی سینه‌ای ده آتش افروز ب) به سوزی ده کلامم را روایی_____کز آنگرمی کند آتش گدایی</p> <p>سؤالات و مطالب تالیفی-سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳-دوازدهم</p> <p>پاسخ: ۱ الف) صفت بیانی ب) متمم، مفعول، متمم، مفعول، نهاد</p>
۴۰	<p>کدام واژه در بیت زیر هم معنی واژه «جبهه» است؟ دلم را داغ عشقی بر جبین نه</p> <p>سؤالات و مطالب تالیفی-سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳-دوازدهم</p> <p>پاسخ: ۱ جبین</p>

۴۱	معنی لغات مشخص شده را بنویسید. الف) دل <u>افسرده</u> غیر از آب و گل نیست ب) دلم را داغ عشقی بر جبین نه پ) به سوزی ده کلام را روایی	پاسخ: ۱ الف) منجمد، غمگین ب) پیشانی پ) تأثیر	سوالات و مطالب تالیفی-سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳-دوازدهم
۴۲	نام مؤلف کدام اثر نادرست معرفی شده است؟ آن را اصلاح کنید. الف) داستان کباب غاز (رضا امیرخانی) ب) قطعه مسافر (گوته)	پاسخ: ۱ ب) شیلر	سوالات و مطالب تالیفی-سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳-دوازدهم
۴۳	مؤلف کدام اثر درست معرفی شده است؟ الف) قصه‌های دوشنبه (آلفونس دوده) ب) هوا را از من بگیر، خنده‌ات را نه (شکسپیر)	پاسخ: ۱ الف	سوالات و مطالب تالیفی-سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳-دوازدهم
۴۴	در عبارت «تو ای کشتی تندروی خیال من، همین‌جا لنگر انداز» نویسنده خود را چگونه انسانی می‌داند؟	پاسخ: ۱ خیال‌پرداز و رؤیاپرداز	سوالات و مطالب تالیفی-سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳-دوازدهم
۴۵	نوع «را» در هر عبارت را تعیین کنید. الف) بال‌های عقاب آسایت را از پرواز بازدار. ب) دیگر ستارگان افلاک را در آن راهی نیست. پ) به آن کس می‌رسد زین گنج بسیار که باشد شادمانی را سزاوار	پاسخ: ۱ الف) مفعول ب) حرف اضافه پ) فک اضافه	سوالات و مطالب تالیفی-سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳-دوازدهم
۴۶	با توجه به متن، به سؤالات پاسخ دهید. « <u>خنده‌تو</u> ، در پاییز/ در <u>کنار فدریا</u> / موج کف آلوده‌اش را/ باید برفرازد» الف) زمان فعل پایان عبارت و مصدر آن را بنویسید. ب) نقش کلمه مشخص شده را بنویسید.	پاسخ: ۱ الف) مضارع التزامی/ برافراختن، برافراشتن ب) نهاد، متقم	سوالات و مطالب تالیفی-سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳-دوازدهم
۴۷	مفهوم نشانه «ان» را در واژه‌های زیر بنویسید. الف) دیلمان ب) خواهان	پاسخ: ۱ الف) مکان ب) صفت فاعلی پ) کاویان ت) بهاران	سوالات و مطالب تالیفی-سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳-دوازدهم (پ) منسوب به کاوه (ت)

۴۸	<p>در هر مورد املائی یک واژه نادرست است. آن را بیابید و اصلاح کنید.</p> <p>(الف) از پس عینک درشت و صطبر به اعلانی که بر دیدار بود، نگریستم.</p> <p>(ب) می‌ترسیدم مورد عتاب معلم واقع شوم الی‌الخصوص که درسمان دستور بود. در کنار نهالی تناور ایستادم.</p> <p>سوالات و مطالب تالیفی-سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲-دوازدهم</p> <p>پاسخ: ۱ (الف) ستمبر (ب) علی‌الخصوص</p>										
۴۹	<p>نادرستی‌های املائی در عبارات زیر بیابید و شکل درست آن‌ها را بنویسید.</p> <p>(الف) به سرحد دنیای خلقت پا گذاشتم و در آنجا زی‌حیاتی ندیدم.</p> <p>(ب) با خطی جلی نوشته شده بود ما مغلوب و مقهوریم و این همه را دل‌مرده کرد.</p> <p>سوالات و مطالب تالیفی-سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲-دوازدهم</p> <p>پاسخ: ۱ (الف) ذی‌حیات (ب) مقلوب</p>										
۵۰	<p>معادل معنایی لغات داده‌شده، در کدام ابیات دیده می‌شوند؟ (یک بیت اضافی است)</p> <table border="1"> <tr> <td>الف) شکست ساغر دل را به صد ملامت و باز/ به دستیاری یک عشوه‌نهایی بست</td><td>سرحد</td></tr> <tr> <td>ب) جز این قدر نتوان گفتم بر جمال تو عیب/ که مهربانی از آن طبع و خو نمی‌آید</td><td>غایی</td></tr> <tr> <td>پ) فراخی در آن مرز و کشور خواه/ که دلتنگ بینی رعیت ز شاه</td><td>خوشبختی</td></tr> <tr> <td>ت) سپهر عالم سعد است و نحس و نفع و ضرر/ تو آن سعادت بی‌نحس و نفع بی‌ضرری</td><td>سجیه</td></tr> <tr> <td>ث) از می‌عشق چنان مست شده است ابن‌یمین/ که در خانه معشوق به سر می‌شکند</td><td></td></tr> </table> <p>سوالات و مطالب تالیفی-سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲-دوازدهم</p> <p>پاسخ: ۱ (الف) نهایی: غایی (ب) خو: سجیه (پ) سرحد: مرز (ت) سعادت: خوشبختی</p>	الف) شکست ساغر دل را به صد ملامت و باز/ به دستیاری یک عشوه‌نهایی بست	سرحد	ب) جز این قدر نتوان گفتم بر جمال تو عیب/ که مهربانی از آن طبع و خو نمی‌آید	غایی	پ) فراخی در آن مرز و کشور خواه/ که دلتنگ بینی رعیت ز شاه	خوشبختی	ت) سپهر عالم سعد است و نحس و نفع و ضرر/ تو آن سعادت بی‌نحس و نفع بی‌ضرری	سجیه	ث) از می‌عشق چنان مست شده است ابن‌یمین/ که در خانه معشوق به سر می‌شکند	
الف) شکست ساغر دل را به صد ملامت و باز/ به دستیاری یک عشوه‌نهایی بست	سرحد										
ب) جز این قدر نتوان گفتم بر جمال تو عیب/ که مهربانی از آن طبع و خو نمی‌آید	غایی										
پ) فراخی در آن مرز و کشور خواه/ که دلتنگ بینی رعیت ز شاه	خوشبختی										
ت) سپهر عالم سعد است و نحس و نفع و ضرر/ تو آن سعادت بی‌نحس و نفع بی‌ضرری	سجیه										
ث) از می‌عشق چنان مست شده است ابن‌یمین/ که در خانه معشوق به سر می‌شکند											
۵۱	<p>مفهوم کدام بیت با سایر ابیات متفاوت است؟</p> <p>(الف) کهن شود همه کس را به روزگار ارادت</p> <p>(ب) یک قصه بیش نیست غم عشق وین عجب</p> <p>(پ) تلقین و درس اهل نظر یک اشارت است</p> <p>(ت) حسن در هر نظری جلوه دیگر دارد</p> <p>مگر مرا که همان عشق اول است و زیادت کز هر زبان که می‌شنوم نامکّر است گفتم کنایتی و مکرر نمی‌کنم سخن تازه محال است مکرر گردد</p> <p>سوالات و مطالب تالیفی-سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲-دوازدهم</p> <p>پاسخ: ۱ گزینه پ پاسخ صحیح است.</p>										
۵۲	<p>با توجه به عبارت زیر، صحیح یا غلط بودن موارد زیر را نشان دهید.</p> <p>«همان‌جا که شاید اینک دست زمان و صورت ظاهرش مرده نشانش دهند.»</p> <p>(الف) در متن جمله‌ای با ساخت «نهاد + مفعول + مسند + فعل اسنادی» وجود دارد.</p> <p>(ب) ضمیر پیوسته «ش» یک بار در نقش مفعول و یکبار در نقش نهاد به کار رفته است.</p> <p>سوالات و مطالب تالیفی-سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲-دوازدهم</p> <p>پاسخ: ۱ (الف) ص (ب) غ</p>										
۵۳	<p>وابسته‌های پیشین و نوع آن‌ها را در بیت «یک قصه بیش نیست غم عشق وین عجب/ کز هر زبان که می‌شنوم نامکّر است» مشخص کنید.</p> <p>سوالات و مطالب تالیفی-سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲-دوازدهم</p> <p>پاسخ: ۱ یک: شمارشی اصلی/ هر: مبهم</p>										

۵۴	<p>در هر عبارت وابسته و وابسته را بیابید و نوع آن را تعیین کنید. (الف) متوجه شدم معلّم لباس هر روز را بر تن ندارد. (ب) همواره عشق قدیم را موضوع صحیفه شعر خود می‌گرداند.</p> <p>سوالات و مطالب تالیفی-سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳-دوازدهم</p> <p>پاسخ: ۱ الف) لباس هر روز: صفت مضاف‌الیه (ب) موضوع صحیفه شعر خود: هر دو مضاف‌الیه مضاف‌الیه</p>						
۵۵	<p>با توجه به بیت زیر، به سؤالات پاسخ دهید. «یک قصه بیش نیست غم عشق وین عجب الف) نقش کلمات «عجب، زبان» را بنویسید. (ب) در انتهای مصراع نخست، چه کلمه‌ای حذف شده است؟ نوع حذف چیست؟</p> <p>سوالات و مطالب تالیفی-سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳-دوازدهم</p> <p>پاسخ: ۱ الف) مسند، متمم (ب) (است)؛ حذف به قرینه معنایی</p>						
۵۶	<p>در گروه کلمات زیر، نادرستی‌های املايي را بیابید و شکل درست آن‌ها را بنویسید. «قرص کردن نهال - مقلوب و مقهور - متأثر و ناراحت - ابهت و شکوه - جراحات و آلام - سطر و ضخیم - قوائد دستوری - ترنم و تنین»</p> <p>سوالات و مطالب تالیفی-سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳-دوازدهم</p> <p>پاسخ: ۱ غرس، ستمبر، قواعد، طنین</p>						
۵۷	<p>برای هر یک از کلمات «آرامش» و «بسند» معادلی در ابیات زیر بیابید. الف) جان بازم اگر لطفی با آن نظر آمیزی (ب) زنهار به انتقام مشغول مشو گر هیچ شبی زان لب تسکین دلم سازی بد را بدی خویش کفایت باشد</p> <p>سوالات و مطالب تالیفی-سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳-دوازدهم</p> <p>پاسخ: ۱ الف) تسکین: آرامش (ب) کفایت: بسنده</p>						
۵۸	<p>برای کلمات ستون دوم معادلی در ستون اول بیابید. یک کلمه اضافی است.</p> <table border="1"> <tr> <td>الف) عتاب یار پری چهره عاشقانه بکش / که یک کرشمه تلافی صد جفا بکند</td><td>ذهن</td></tr> <tr> <td>ب) هر دم هزار رمز معما ز سرّ غیب / بر تخته مخیله گردد مصورم</td><td>خواها</td></tr> <tr> <td></td><td>تندی</td></tr> </table> <p>سوالات و مطالب تالیفی-سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳-دوازدهم</p> <p>پاسخ: ۱ الف) عتاب: تندی (ب) مخیله: ذهن</p>	الف) عتاب یار پری چهره عاشقانه بکش / که یک کرشمه تلافی صد جفا بکند	ذهن	ب) هر دم هزار رمز معما ز سرّ غیب / بر تخته مخیله گردد مصورم	خواها		تندی
الف) عتاب یار پری چهره عاشقانه بکش / که یک کرشمه تلافی صد جفا بکند	ذهن						
ب) هر دم هزار رمز معما ز سرّ غیب / بر تخته مخیله گردد مصورم	خواها						
	تندی						
۵۹	<p>واژه مشخص شده در هر گزینه، به چه معنایی به کار رفته است؟ (چ) ترک آن‌ها مرا متاثر کرد. (ح) در مواقع عادی غلغله آن‌ها به پرزن می‌رفت.</p> <p>سوالات و مطالب تالیفی-سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳-دوازدهم</p> <p>پاسخ: ۱ الف) اندوهگین (ب) محله</p>						

۶۰	<p>معنای هر یک از واژگان مشخص شده چیست؟ (ث) نمی‌توان <u>میجشم</u> کرد که چه‌طور همه در کار خط و مشق سعی می‌کردند. (ج) اکنون این مردم که بر ما <u>چییره</u> گشته‌اند، حق دارند ما را ملامت کنند.</p> <p>سوالات و مطالب تالیفی-سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳ -دوازدهم</p> <p>پاسخ: ۱ الف) تصوّر (ب) پیروز</p>
۶۱	<p>در هر مورد واژه خواسته‌شده را معنا کنید. الف) وقتی قومی <u>مقهور</u> بیگانه گردد. ب) در این <u>اِثنا</u> صدای شیپور سربازان در کوچه طنین افکند.</p> <p>سوالات و مطالب تالیفی-سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳ -دوازدهم</p> <p>پاسخ: ۱ الف) شکست‌خورده (ب) میان، میانه</p>
۶۲	<p>معنی لغات مشخص شده را بنویسید. الف) معلّم لباس <u>ژنده</u> معمول هر روز را بر تن ندارد. ب) هر خبر <u>ملا</u> <u>انگیز</u> که برای ده می‌رسید، از اینجا منتشر می‌گشت.</p> <p>سوالات و مطالب تالیفی-سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳ -دوازدهم</p> <p>پاسخ: ۱ الف) کهنه (ب) خسته‌کننده</p>
۶۳	<p>با توجّه به عبارت زیر، از نظر نویسنده، چه چیزی از اسارت در دست دشمن هم دشوارتر است؟ «وقتی قومی به اسارت دشمن درآمد و مغلوب و مقهور بیگانه گردد تا وقتی که زبان خویش را حفظ کند، همچون کسی است که کلید زندان خویش را در دست داشته باشد.»</p> <p>سوالات و مطالب تالیفی-سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳ -دوازدهم</p> <p>پاسخ: ۱ از دست دادن زبان ملّی</p>
۶۴	<p>در عبارت زیر، شاعر به چه چیزی اعتراف می‌کند؟ «چه حرف تازه‌ای برای گفتن مانده است یا چه چیز تازه‌ای برای نوشتن/ که بتواند عشق مرا یا سجایای ارزشمند تو را بازگو کند؟»</p> <p>سوالات و مطالب تالیفی-سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳ -دوازدهم</p> <p>پاسخ: ۱ هیچ حرف خوبی نیست که در وصف خوبی‌های معشوق خویش نگفته باشد.</p>
۶۵	<p>عبارات زیر را به فارسی امروزی معنا کنید. الف) چنان می‌نمود که گویی درفش ملّی ما را به اهتزاز درآورده باشند. ب) خود به قدر کفایت متنبّه شده‌ای.</p> <p>سوالات و مطالب تالیفی-سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳ -دوازدهم</p> <p>پاسخ: ۱ الف) این‌طور به نظر می‌رسد که انگار پرچم ملّی ما را به حرکت درآورده باشند. ب) به اندازه کافی آگاه شده‌ای (پند گرفته‌ای).</p>
۶۶	<p>از نظر شکسپیر، ویژگی عشق جاودانی چیست؟ «این‌گونه است که عشق جاودانی همواره معشوق را جوان می‌بیند/ و نه توجّهی به گرد و غبار و جراحات پیری دارد...»</p> <p>سوالات و مطالب تالیفی-سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳ -دوازدهم</p> <p>پاسخ: ۱ نگاه عشق جاودانی به معشوق همیشه تازه است و به شکستگی‌های چهره او توجّهی ندارد.</p>

۶۷	<p>هر یک از موارد زیر را به فارسی روان برگردانید. الف) یک قصه بیش نیست غم عشق وین عجب ب) در این اندیشه مستغرق بودم که دیدم مرا به نام خواندند.</p> <p>سوالات و مطالب تالیفی-سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳-دوازدهم</p> <p>پاسخ: ۱ الف) غم عشق یک قصه بیشتر نیست ولی آن را از هر کسی که می‌شنوی، تکراری نیست. ب) غرق این فکر بودم که نام مرا صدا زدند.</p>
۶۸	<p>نام پدیدآورنده هر یک از آثار زیر را بنویسید. الف) قصه‌های دوشنبه ب) غزلواره‌ها</p> <p>سوالات و مطالب تالیفی-سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳-دوازدهم</p> <p>پاسخ: ۱ الف) آلفونس دوده ب) شکسپیر</p>
۶۹	<p>نام صاحب هر یک از آثار داده‌شده را از کمانک مقابل آن انتخاب کنید. الف) غزلواره‌ها (شکسپیر/ پابلو نرودا) ب) ترجمه قصه‌های دوشنبه (عبدالحسین زرّین‌کوب/ رضا امیرخانی)</p> <p>سوالات و مطالب تالیفی-سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳-دوازدهم</p> <p>پاسخ: ۱ الف) شکسپیر ب) عبدالحسین زرّین‌کوب</p>
۷۰	<p>نوشته زیر از کتاب نوشته و ترجمه انتخاب شده است. «اما بغض و اندوه، صدا را در گلویش شکست، نتوانست سخن خود را تمام کند، سپس روی برگردانید و پاره‌ای گچ برداشت و با دستی که از هیجان و درد می‌لرزید، بر تخته سیاه این کلمات را با خط جلی نوشت: زنده باد میهن!»</p> <p>سوالات و مطالب تالیفی-سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳-دوازدهم</p> <p>پاسخ: ۱ قصه‌های دوشنبه، آلفونس دوده، عبدالحسین زرّین‌کوب</p>
۷۱	<p>در هر مورد «مشبه و مشبه‌به» را مشخص کنید. الف) سرمشق‌هایی که به گوشه میزهای تحریر ما آویزان بود، چنان می‌نمود که گویی در چهار گوشه اتاق، درفش ملی ما را به اهتزاز درآورده باشند. ب) خاطرات تلخ و تنبیهاتی را که از او دیده بودم، یکباره از صفحه ضمیرم محو کرد.</p> <p>سوالات و مطالب تالیفی-سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳-دوازدهم</p> <p>پاسخ: ۱ الف) سرمشق‌ها: مشبه / درفش ملی: مشبه‌به ب) ضمیر: مشبه / صفحه: مشبه‌به</p>
۷۲	<p>آرایه مشترک عبارات زیر را نام ببرید. در هر عبارت، این آرایه را مشخص کنید. الف) به خاطرم گذشت که درس و بحث مدرسه را بگذارم و راه صحرا پیش گیرم. هوا گرم و دلپذیر بود. ب) آنگاه سر خویش گرفتم و راه مدرسه در پیش و با شتاب تمام خود را به مدرسه رساندم.</p> <p>سوالات و مطالب تالیفی-سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳-دوازدهم</p> <p>پاسخ: ۱ کنایه: درس و بحث گذاشتن، راه در پیش گرفتن / سر خویش گرفتن</p>
۷۳	<p>از میان پیشنهادی داخل کمانک، آرایه مرتبط با هر عبارت را انتخاب کنید. الف) آیا چیزی در محیله آدمی می‌گنجد که قلم بتواند آن را بنگارد؟ (پرسش انکاری / تشبیه) ب) من از این احوال، غرق حیرت بودم. (تشبیه / استعاره)</p> <p>سوالات و مطالب تالیفی-سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳-دوازدهم</p> <p>پاسخ: ۱ الف) پرسش انکاری ب) استعاره</p>

۷۴	<p>در هر مورد، آرایهٔ درست را انتخاب کنید. (الف) نه توجّهی به گرد و غبار و جراحات پیری دارد (تشخیص/ استعاره) (ب) چه حرف تازه‌ای برای گفتن مانده است یا چه چیز تازه‌ای برای نوشتن؟ (مجاز/ حس‌آمیزی)</p> <p>سوالات و مطالب تالیفی-سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲-دوازدهم</p> <p>پاسخ: ۱ الف) استعاره ب) مجاز</p>
۷۵	<p>آرایهٔ درست را از کمانک انتخاب کنید. (الف) یک قصهٔ بیش نیست غم عشق وین عجب تشخیص) (ب) همان‌جا که شاید اینک دست زمان و صورت ظاهرش مرده نشانش دهند. (اضافهٔ تشبیهی/ اضافهٔ استعاری)</p> <p>سوالات و مطالب تالیفی-سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲-دوازدهم</p> <p>پاسخ: ۱ الف) تشبیه ب) اضافهٔ استعاری</p>
۷۶	<p>استعاره را در عبارت زیر توضیح دهید. «نخستین احساس عشق را در جایی می‌جوید که خود در آنجا به دنیا آمده است/ همان‌جا که شاید اینک دست زمان و صورت ظاهرش، مرده نشانش دهد»</p> <p>سوالات و مطالب تالیفی-سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲-دوازدهم</p> <p>پاسخ: ۱ دست زمان؛ انسانی دانسته شده که دست داشتن از ویژگی‌های اوست.</p>
۷۷	<p>ارکان سجع را در عبارت «با خود اندیشیدم که باز برای ما چه خوابی دیده‌اند؟ آنگاه سر خویش گرفتم و راه مدرسه در پیش» بنویسید.</p> <p>سوالات و مطالب تالیفی-سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲-دوازدهم</p> <p>پاسخ: ۱ خویش و پیش</p>
۷۸	<p>مفهوم هر یک از کنایه‌های زیر را بنویسید. (الف) اما بغض و اندوه، <u>صدرا را در گلویش شکست</u>. (ب) آن هنگام ترس و ناراحتی من <u>فرونشست</u>.</p> <p>سوالات و مطالب تالیفی-سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲-دوازدهم</p> <p>پاسخ: ۱ الف) ناتمام و نامفهوم ماندن حرف ب) کم شدن و از بین رفتن</p>
۷۹	<p>هر یک از کنایه‌های زیر به چه مفهومی اشاره دارند؟ (الف) برخلاف آنچه <u>چشم می‌داشتم</u>، سکوت و آرامش مدرسه را فرا گرفته بود. (ب) با خود اندیشیدم که باز برای ما <u>چه خوابی دیده‌اند</u>.</p> <p>سوالات و مطالب تالیفی-سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲-دوازدهم</p> <p>پاسخ: ۱ الف) انتظار داشتن ب) نقشه و طراحی داشتن</p>
۸۰	<p>در عبارت‌های زیر، مفهوم کنایه‌های مشخص شده را بنویسید. (الف) پیداست که تا چه حد از چنین کاری بیم داشتم اما <u>دل به دریا زدم</u> و به اتاق درس وارد شدم. (ب) معلّم با <u>رنگ پریده</u> از جای خویش برخاست.</p> <p>سوالات و مطالب تالیفی-سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲-دوازدهم</p> <p>پاسخ: ۱ الف) خطر کردن ب) ترسیدن و مضطرب بودن</p>

	<p>الگوی کدام جمله «نهاد + مفعول + مسند + فعل» است؟ الف) محبت چون به غایت رسد، آن را عشق خوانند. ب) به عشق نتوان رسیدن تا از معرفت و محبت دو پایه نردبان نسازد.</p> <p>سوالات و مطالب تالیفی-سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲-دوازدهم</p> <p>پاسخ: ۱ الف</p>	۸۱
	<p>در شعر زیر، حذف و نوع آن را تعیین کنید. «چه حرف تازه‌ای برای گفتن مانده است یا چه چیز تازه‌ای برای نوشتن/ که بتواند عشق مرا یا سجایای ارزشمند تو را بازگو کند؟»</p> <p>سوالات و مطالب تالیفی-سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲-دوازدهم</p> <p>پاسخ: ۱ چه حرف تازه‌ای برای گفتن مانده است یا چه چیز تازه‌ای برای نوشتن (مانده است)؛ حذف به قرینه لفظی</p>	۸۲

۱ عاشق، معشوق را همیشه جوان می‌بیند و به عیوب ظاهری معشوق توجه نمی‌کند.

۲ گزینه ب

۳ الف) مضاف‌الیه (ب) از آن گرمی کند آتش گدایی (ج) نهاد

۴ الف) حذف به قرینه لفظی (ب) حذف به قرینه معنایی یا معنوی

۵ آگاه

۶ گزینه‌های ب و د یا «غرس نهال» و «ضمد و مرهم»

۷ معشوق را همواره جوان می‌بیند، پیری برای عشق جاودانی مهم نیست. (ص ۱۵۶)

۸ الف) سرزنش، ملامت، تندى (ص ۱۵۷) (ب) قوی، نیرومند (ص ۱۲۰)

۹ الف) همه خوبی کباب غاز در این است که کامل و دست نخورده روی میز بیايد. (ص ۱۳۳)

(ب) در این فکر فرو رفته بود که دیدم مرا به اسم صدا زدند. (ص ۱۵۹)

(ج) کسی که می‌تواند به اصل و حقیقت (خداوند) برسد، هرگز از رسیدن به فرعیات عاجز نمی‌شود. (ص ۱۲۱)

(د) سودابه از روی خشم موهایش را می‌کند، پیوسته گریه می‌کرد و صورت خود را زخمی می‌نمود. (ص ۱۰۴)

۱۰ الف) اگر این آتش مانند کوه باشد از آن عبور می‌کنم؛ گذشتن از این راه باریک برای من کاری آسان است. (ص ۱۰۱)

(ب) داستان عشق یک ماجرا بیشتر نیست؛ اما عجیب آنکه آن را از هرکس می‌شنوم، غیرتکراری است. (ص ۱۵۶)

(پ) با آنکه جییم از مال و جامم از شراب، خالی است (تهی‌دست هستم)، اما آسایشی دارم که جمشید نیز آن را نداشت. (ص ۲۷)

(ت) در دوران تسلط حکومت ظلم، در محیط پر از غم و رنج جامعه، چشمان ما، تنها شاهد ظلم و ستم بود. (ص ۸۴)

۱۱ ظاهرین نبودن عاشق (یا هر پاسخ درست دیگر) (ص ۱۵۵)

۱۲ الف) اسب یا استری که به رنگ سرخ تیره است. (ص ۷۹)

(ب) سرزنش، ملامت، تندى (ص ۱۵۷)

(پ) سرانگشت (ص ۱۴۷)

۱۳ مایه. (ص ۱۵۸)

۱۴ نامکتر بودن و تازگی عشق. (ص ۱۵۶ - ۱۵۵)

۱۵ قضه‌های دوشنبه / عبدالحسین زرین‌کوب (ص ۱۶۲)

۱۶ الف) خویش، پیش

(ب) «برای ما چه خوابی دیده‌اند؟» یا «سرخویش گرفتم» (ص ۱۵۷)

شاعر عشق خود را با تازه‌ترین تعابیر بیان نموده است یا توصیف‌ناپذیری عشق. محبوب دارای بهترین خصلت‌هاست یا وصف‌ناپذیری معشوق. (ص ۱۵۵)

اضافه استعاری (ص ۱۵۵)

سخن عشق تکراری نیست و عاشق از ذکر نام معشوق خسته نمی‌شود. (ص ۱۵۵)

الف) لفظی ب) ماضی نقلی ج) چه (ص ۱۵۵)

روح راستگوی عاشق هر چه را که در ذهن آدم می‌گنجد، برای معشوق ترسیم کرده است. (ص ۱۵۵)

تو از آن منی و من از آن تو (ص ۱۵۵)

الف) وقتی مردم سیاوش را دیدند، فریاد شادی سردادند که شاهزاده از آتش به سلامتی بیرون آمد. (ص ۱۰۴)
ب) آری اکنون رستم در ته چاهی که به جای آب، زهر شمشیر و سرنیزه داشت، محو شده بود. (ص ۱۱۲)
ج) اگر دیدی که من زخمی و در حال جان دادن هستم، تو شاد باش؛ زیرا خنده‌ی تو برای دستان من مانند شمشیر برکشیده‌ای است و به من توان مبارزه می‌بخشد. (ص ۱۵۰)
د) هر روز باید سخن یکسانی را تکرار کنم و آن این‌که: تو متعلق به منی و من متعلق به تو هستم. (ص ۱۵۵)

یکی از این دو مورد: عشق قدیم را هر چه قدر قدیمی باشد، کهنه و بی‌ارزش نمی‌شمارد یا همواره معشوق را جوان می‌بیند. (ص ۱۵۵)

شکسپیر: غزلواره‌ها (ص ۱۵۵) جمال‌زاده: کباب‌غاز (ص ۱۴۰)

الف) خودداری می‌کردید اما اصرارهای من شما را مجاب و راضی کرد. (ص ۸۹)
ب) چرا سرزمین ما شاه ندارد، بیش از این بدون شاه بودن شایسته نیست (ص ۱۲۰)
ج) این بدبخت‌ها هر سال طولانی یک بار برایشان چنین موقعیتی پیش می‌آید و مدتی است انتظار کشیده‌اند (گرسنگی کشیده‌اند، به خود وعده داده‌اند) که کباب بخورند.
د) فکر و خیالی در ذهن انسان نمی‌گنجد که بتواند آن‌را بنویسد اما روح راستگو و درست‌کردار من آن‌را برای تو، ای عشق جاودانی به تصویر نکشیده باشد. (ص ۱۵۵)

الف) شکسپیر (ص ۱۵۵) ب) سیدمهدی شجاعی (ص ۹۳)

معمر

الف) به کلام من اثری ببخش که حتی آتش هم از آن، گرمی‌گدایی کند.

ب) در راه این زندگی دشوار، جز لطف و عنایت تو چیز دیگری لازم ندارم.

الف) خدایا به من سینه‌ای پر از درد بده و دلی که تمامی آن غم و درد و رنج باشد.
ب) دلی که دردی نداشته باشد دل نیست و دل بی‌درد و بی‌جان، چیزی جز آب و گل نیست.

الف) اهمیت لطف الهی
ب) درخواست غمی اصیل و ماندگار

۵۱ گزینه پ پاسخ صحیح است.

۵۲ الف) ص (ب) غ

۵۳ یک: شمارشی اصلی / هر: مبهم

۵۴ الف) لباس هر روز: صفت مضاف‌الیه
(ب) موضوع صحیفه شعر خود: هر دو مضاف‌الیه مضاف‌الیه

۵۵ الف) مسند، متقم
(ب) (است)؛ حذف به قرینه معنایی

۵۶ غرس، ستبر، قواعد، طنین

۵۷ الف) تسکین: آرامش (ب) کفایت: بسنده

۵۸ الف) عتاب: تندى (ب) مخیله: ذهن

۵۹ الف) اندوهگین (ب) محله

۶۰ الف) تصوّر (ب) پیروز

۶۱ الف) شکست‌خورده (ب) میان، میانه

۶۲ الف) کهنه (ب) خسته‌کننده

۶۳ از دست دادن زبان ملى

۶۴ هیچ حرف خوبی نیست که در وصف خوبی‌های معشوق خویش نگفته باشد.

۶۵ الف) این‌طور به نظر می‌رسد که انگار پرچم ملى ما را به حرکت درآورده باشند.
(ب) به اندازه کافی آگاه شده‌ای (پند گرفته‌ای).

۶۶ نگاه عشق جاودانی به معشوق همیشه تازه است و به شکستگی‌های چهره او توجهی ندارد.

۶۷ الف) غم عشق یک قصه بیشتر نیست ولی آن را از هر کسی که می‌شنوی، تکراری نیست.
(ب) غرق این فکر بودم که نام مرا صدا زدند.

۶۸ الف) آلفونس دوده (ب) شکسپیر

۶۹ الف) شکسپیر (ب) عبدالحسین زرّین‌کوب

۷۰ قصه‌های دوشنبه، آلفونس دوده، عبدالحسین زرّین‌کوب

۷۱ الف) سرمشق‌ها: مشبّه / درفش ملّی: مشبّه‌به

ب) ضمیر: مشبّه / صفحه: مشبّه‌به

۷۲ کنایه: درس و بحث گذاشتن، راه در پیش گرفتن / سر خویش گرفتن

۷۳ الف) پرسش انکاری ب) استعاره

۷۴ الف) استعاره ب) مجاز

۷۵ الف) تشبیه ب) اضافه استعاری

۷۶ دست زمان ؛ انسانی دانسته شده که دست داشتن از ویژگی‌های اوست.

۷۷ خویش و پیش

۷۸ الف) ناتمام و نامفهوم ماندن حرف

ب) کم شدن و از بین رفتن

۷۹ الف) انتظار داشتن

ب) نقشه و طراحي داشتن

۸۰ الف) خطر کردن

ب) ترسیدن و مضطرب بودن

۸۱ الف

۸۲ چه حرف تازه‌ای برای گفتن مانده است یا چه چیز تازه‌ای برای نوشتن (مانده است) ؛ حذف به قرینه لفظی

